

**چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی پزشکبان**

علاءالدین رفیع زاده، رئیس سازمان اداری و استخدامی با اشاره به برنامه دولت چهاردهم برای پیشبرد دو هدف مهم خود یعنی کوچک سازی از یک سو و حفظ نیروی انسانی کارآمد از سوی دیگر است، گفت: در این چهارچوب هیچ نیروی انسانی حذف و یا اخراج نخواهد شد. دولت چهاردهم بارها از لزوم کوچک سازی دولت سخن گفته است. پزشکبان نیز همواره بر این امر تأکید داشته و عنوان کرده است: «راهی جز کوچک سازی دولت نداریم» زیرا ادامه حاکمیت نهادهای دولتی در امور اقتصادی، آتش تورم را شعله ور می‌کند؛ او تأکید کرد در نظام اقتصادی جدید دولت‌مردان باید تنها نقش تنظیم‌گری و تسهیل‌گری داشته باشند رئیس جمهوری در نشست‌های مختلف به این موضوع اشاره کرد: دولتی که طی سال‌ها بزرگ و هزینه‌زا شده، امروز بخش عمده‌ای از تورم را بر عهده دارد و تلاش می‌کنیم که دولت را کوچک کنیم. لزوم «کوچک سازی ساختار دولت» همچنین در صحن علنی مجلس نیز به دنبال اصلاح بودجه و حذف کسری مورد تأکید قرار گرفت. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهوری نیز بر پیگیری این سیاست تأکید کرده است. او در دیدار با اعضای دولت گفت: باید مشکل کوچک سازی دولت را در دولت چهاردهم حل کنیم و به دولت‌های آینده اجازه نشود. محمد جعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهوری نیز تأکید دارد: کوچک سازی در برنامه‌ها باقی است و برای هر شش ماه، دستگاه‌ها باید میزان کاهش ساختار خود را بر اساس شاخص‌های مشخص اعلام کنند. در این نشست‌ها از سوی مقامات تأکید شده که در طرح کوچک سازی هیچ کارمندی اخراج نمی‌شود و کاهش حقوقی رخ نخواهد داد. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت اعلام کرد: در راستای پیگیری این هدف (که از تکالیف برنامه‌ای دولت است)، دولت به فکر کارمندان نیز است و تأکید دارد که هیچ کارمندی اخراج یا تعدیل نخواهد شد و حقوق آنان نیز کاهش نمی‌یابد. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز کوچک سازی دولت را ضروری دانست؛ اما تأکید کرد که این کار به معنی کاستن از خدمات عمومی نیست. او گفت: تجربه جهانی نشان می‌دهد دولت‌ها با کوچک سازی و حذف موازی کاری‌ها هم کیفیت خدمات را افزایش می‌دهند و هم فشار بر کارفرمایان را کاهش می‌دهند، به بیان دیگر، «کوچک سازی دولت به معنای کاهش کاهش خدمات دولت نیست». بدین ترتیب، موضع رسمی دولت این است که در مسیر کوچک سازی، خدمات عمومی حفظ و حداقل هزینه‌های جاری حذف می‌شود، بدون آنکه منابع نیروی انسانی فعلی بطور یک طرفه به خطر افتد.

**چالش‌ها و الزامات**

هرچند منافع اقتصادی کوچک سازی آشکار است، اجرای آن در عمل با موانع حقوقی و ساختاری جدی روبه‌روست. مهم‌ترین چالش، حذف نهادها و ساختارهای موازی و ناکارآمد است. رفیع زاده بر لزوم شناسایی و ادغام این تشکیلات تأکید کرده‌اند؛ به عنوان مثال قرار است ده‌ها اداره کل استانی موازی در وزارتخانه‌ها به یک اداره کل تبدیل شود. برای تحقق این هدف، نیاز به اصلاح قوانین و آیین نامه‌های استخدامی وجود دارد تا انتقال تدریجی کارکنان به بخش‌های ضروری با پیمانکاری انجام شود. در قوانین فعلی ایران، هیچ راه قانونی‌ای برای اخراج یا تعدیل گسترده نیروی کار وجود ندارد، از این رو مقامات بارها تأکید کرده‌اند که حقوق کارکنان فعلی باید محفوظ بماند. بدین ترتیب، محافل اجرایی دولت بر این نکته اصرار دارند که کوچک سازی باید تدریجی و کارشناسانه باشد تا هم تعهدات دولت به کارمندان محترم شمرده شود و هم ساختار بهینه گردد

**دیدگاه‌های مختلف**

در فضای سیاست‌گذاری ایران سه رویکرد کلی به کوچک سازی مطرح شده است. نگاه اقتصادی صرف: موافقان این رویکرد (مانند رئیس جمهوری و برخی اقتصاددانان) بر لزوم تمرکز بر شاخص‌های مالی و بودجه‌ای تأکید می‌کنند. آنها معتقدند انباشت هزینه‌های جاری عامل اصلی تورم و کسری بودجه است و قطع حمایت‌های دولت از اقتصاد می‌تواند کسری‌ها را جبران و رشد بخش خصوصی را تحریک کند. در این دیدگاه، کاهش هزینه‌ها و حجم دولت مترادف با بهبود فضای کسب و کار و عدالت اقتصادی (با کم کردن تبعیض‌های سیاسی اقتصادی) تلقی می‌شود. به عنوان نمونه، صاحب‌نظران اقتصادی به تجربه کشورهای موفق اشاره می‌کنند که با کوچک کردن دولت و واگذاری وظایف به بخش خصوصی مسیر توسعه را پیمودند. نگاه نهادی / ساختاری: مخالفان ایده «کوچک سازی دولت» تأکید می‌کنند مشکل اصلی ایران نه در کمیت دولت بلکه در کیفیت نظام اداری است. دولت ایران از نظر شاخص‌های مالی و نیروی انسانی در حد میانگین جهانی قرار دارد. نسبت مخارج دولتی به تولید ناخالص داخلی تنها ۲۲.۵ درصد (در مقابل میانگین جهانی حدود ۴۰ درصد) و سهم اشتغال بخش عمومی ۱۴.۸ درصد (پایین‌تر از میانگین ۱۸.۴ درصد) است. منتقدان هشدار می‌دهند که کوچک سازی افراطی تا کنون منجر به چابکی نشده، بلکه با خالی کردن ساختارهای عملیاتی، کیفیت خدمات عمومی را تضعیف کرده و بر مشکلات کارکنان افزوده است. نگاه عدالت محور: از این منظر، سیاست کوچک سازی باید ضمن حفظ عدالت اجتماعی و پاسخگویی به نیازهای مردم پیش رود. تحلیلگران این رویکرد، را با اصلاح ساختاری همراه می‌کنند؛ برای مثال هشدار داده‌اند که برچسب زدن نیروی انسانی به «سریار» می‌تواند نتایجان دولت را از کار مایوس کند و دولت را به کاهش اهداف توسعه‌ای به جای اصلاح بنیادین وادار سازد. به بیان دیگر، از منظر عدالت اجتماعی «کوچک سازی هوشمند» باید با تضمین افزایش کارآمدی و خدمات دولتی همراه باشد، نه صرفاً کاهش کمی بودجه و نیرو. به طور خلاصه، مقامات دولت چهاردهم باادعان به ضرورت صرفه جویی در هزینه‌ها و کارآمدسازی سازمانی خواستار اجرای سیاست کوچک سازی شده‌اند، اما در عین حال بر تدریجی بودن این فرایند، حفظ خدمات عمومی و رعایت حقوق کارکنان تأکید دارند. در مجموع، ارزیابی‌های مختلف نشان می‌دهد کوچک سازی موفق، مستلزم تدوین طرح‌های دقیق عملیاتی، اصلاح چهارچوب‌های حقوقی و هماهنگی قوا در ایجاد دولت چابک است؛ رویکردی که هم ظرفیت‌های اقتصادی را آزاد کند و هم عدالت اجتماعی و کیفیت حکمرانی را تأمین نماید.

عزت!... یوسفیان ملادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

**برنامه‌های توسعه****نیاز به شفافیت دارد**

**مدیران جامعه استعفا و عذرخواهی را فراموش کرده‌اند**

**مدیری که نمی‌تواند کاری انجام بدهد باید استعفا بدهد**

**مسائل برنامه‌های توسعه حتی یک مورد هم**

**صدور صدا اجرایی نشده است**

سه شنبه  
۲۷ • ۰۸ • ۱۴۰۴  
۲۷ جمادی الاول ۱۴۴۷ / ۱۸ نوامبر ۲۰۲۵

سال هشتم  
شماره ۲۲۵۵



قانونی محقق شده و درخصوص حدود ۶۰ درصد از احکام، سهم عملکردی سال اول برنامه محقق نشده است. وزارت راه و شهرسازی ۷۷ درصد اجرایی نشده، کم عملکردترین نهاد میان دستگاه‌های بررسی شده بوده است. ۶۰ درصد از احکام وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز به سرانجام نرسیده است! احکامی که بخش مهمی از اصلاحات اقتصادی، ساماندهی سیاست‌های مالی، تنظیم بازار پول و افزایش بهره‌وری دستگاه‌ها را شامل می‌شود وزارت نیرو نیز ۵۶ درصد عدم تحقق، نتوانسته بخش قابل توجهی از تکالیف مرتبط با مدیریت منابع آب، توسعه شبکه‌های برق و اصلاح ساختار انرژی را پیش ببرد. در بخش صنعت، معدن و تجارت (صمت)، ۶۲ درصد احکام همچنان بلا تکلیف مانده و اجرایی نشده است؛ در حالی که بخش تولید، تنظیم بازار و توسعه صادرات از محورهای اصلی برنامه هفتم محسوب می‌شود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی دلایل و پیامدهای عدم تحقق برنامه توسعه با دکتر عزت!... یوسفیان ملا نمایندۀ ادوار مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی – احسان انصاری: با گذشت یک سال از آغاز اجرای شدن قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، بررسی‌های کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از احکام این برنامه در سال نخست عملیاتی نشده است و فاصله جدی میان تکالیف قانونی و عملکرد دستگاه‌ها شکل گرفته است. بر اساس گزارشی که شهرپورماه از سوی دولت به مجلس ارائه شد و طی حدود ۴۰ روز در کمیسیون‌های مختلف مجلس بررسی شد، برآورد نهایی حاکی از آن است که ۶۰ درصد احکام سال اول برنامه هفتم توسعه محقق نشده است؛ وضعیتی که به گفته کارشناسان، اجرای برنامه را با چالش‌هایی جدی در آغاز راه روبه‌رو کرده است. طبق این جمع‌بندی عملکرد دستگاه‌های مسئول در اجرای احکام تفاوت معناداری با یکدیگر داشته است اما در مجموع، اکثر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اصلی از تحقق بخش مهمی از تکالیف خود بازمانده‌اند. براساس ارزیابی‌های انجام‌شده از ۲۵۱۵ حکم دستگاه‌ها ۳۲.۶ درصد از احکام در مهلت قانونی اجرا شده و ۷۰.۵ درصد از احکام خارج از مهلت

**چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟**

هنگامی که رئیس جمهور برنامه بودجه سال جدید را به مجلس ارائه می‌کند باید گزارش سال قبل را نیز ارائه کند که چه میزان از برنامه سال گذشته را اجرا کرده است. نکته مهم این است که هیچ دولتی تاکنون گزارش سالانه به مجلس ارائه نکرده است. بنده ۱۶ سال در مجلس حضور داشتم و از نزدیک مشاهده کردم که دولت‌های گذشته هیچ کدام این اصل مهم را رعایت نمی‌کردند. رئیس جمهور در مجلس حضور پیدا می‌کند و حرف‌هایی می‌زند، اما این سخنان مبتنی بر عدد و رقم نیست. البته دلیل اصلی این است که برنامه ما مبتنی بر عدد و رقم نیست و در برنامه‌هایی که تدوین می‌شود با عدد و رقم مشخص نمی‌شود که دقیقاً چه اقداماتی باید صورت بگیرد که در نهایت بتواند آنها را مورد بررسی قرار داد. برنامه‌ای که فاقد عدد و رقم باشد، برنامه نیست و کارایی ندارد. به عنوان مثال در برنامه توسعه‌ای که در ایران نوشته می‌شود ذکر می‌شود است که دولت موظف است در پنج سال آینده با استفاده از سیاست‌های مناسب تلاش کند مشکل دو سوم از مسکن مردم را حل کند. بدترین بیماری که امروز کشور با آن مواجه است آمار است. شرایط به شکلی است که ما حتی یک آمار دقیق در کشور نداریم. امروز آمارهایی که برای کشور ضروری است و باید دقیق باشد به شکل سلیقه‌ای اعلام می‌شود. اگر برنامه نویسی ما اصول و قاعده داشت عنوان می‌کرد که مثلاً در سال ۱۴۰۲ دولت باید این عدد برق تولید کند. در چنین شرایطی دولت خود را موظف می‌دید که با رخ می‌داد دیگر کشور با مشکل قطعی برق مواجه نمی‌شد. این وضعیت درباره دیگر مشکلات جامعه نیز وجود داشت.

**در واقع وقوع بحران‌های متعدد و همزمان راناشی از نداشتن برنامه برای مدیریت کشور می‌دانید؟**

بله؛ این موضوع مهمی است که در اغلب زمینه‌های مدیریتی کشور وجود داشته و باید آسیب شناسی شود. چشم اندازی که برای کشور ترسیم شده مبتنی بر برنامه ریزی نیست و بلکه دستوری و سفارشی است. به همین دلیل برنامه توسعه در ایران بیشتر شبیه سفارش نامه و توصیه‌نامه است. این در حالی است که امروز همه تصمیمات در کشورهای جهان با برنامه ریزی گرفته می‌شود. به عنوان مثال در کشوری مانند آلمان برای ۵۰ سال دیگر برنامه ریزی دقیق با عدد و رقم صورت گرفته و هر مدیری که روی کار می‌آید باید خود را مکلف به اجرای این برنامه کند. در ایران هر کسی از راه می‌رسد سفارشی دارد که این سفارش در برنامه ذکر می‌شود. در نهایت هیچ کدام عملی نمی‌شود و تنها منافع عده‌ای را تأمین می‌کند.

**در حالی معاون رئیس جمهور عنوان کرده که نمی‌توانیم فیلترینگ را برادریم یکی از وعده‌های رئیس جمهور همین مورد بوده و مدیری که نمی‌تواند کاری را انجام دهد، در همه جای دنیا به معنای خدا حافظی است**

نیست استعفا می‌دهد و دوم اینکه وعده‌ای به مردم داده نمی‌شود که نتوان آن را اجرایی کرد. نکته دیگر مفهوم کارکرد عذرخواهی است که در همه کشورهای جهان مدیران هنگامی که در زیرمجموعه آنها اتفاق ناگواری رخ می‌دهد بدون ملاحظه و پرده پوشی از مردم عذرخواهی می‌کنند. عذرخواهی در کشورهای توسعه یافته یک اتفاق عادی است و مانع از دعواهای بزرگ می‌شود. در ایران متأسفانه فرهنگ عذرخواهی در بین مسئولان وجود ندارد. اینکه یک مدیر می‌گوید نمی‌تواند کاری انجام بدهد برای مردمی که چشم امید به وی دوخته‌اند سنگین و دردناک است. واقعیت این است که اگر فرهنگ استعفا و عذرخواهی در کشور وجود داشته باشد که در شرایط کنونی وجود ندارد، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. هنگامی که برنامه توسعه نوشته می‌شود برای آن یک بازه زمانی ۵ ساله در نظر می‌گیرند که تنها در همان ۵ سال باید اجرایی شود. این در حالی است که در شش برنامه توسعه گذشته محال است که موضوعی را پیید اکند که صد درصد آن اجرایی شده باشد.

**بدترین بیماری که امروز کشور با آن مواجه است آمار است. شرایط به شکلی است که ما حتی یک آمار دقیق در کشور نداریم. امروز آمارهایی که برای کشور ضروری است و باید دقیق باشد به شکل سلیقه‌ای اعلام می‌شود**

علی قنبری:

**ساختار معیوب اقتصاد در حال ایجاد شکافی عمیق است**

بناهن پر هزینه، ضعف بهره‌وری اقتصادی، اختلال در نظام قیمت‌گذاری و سرکوب قیمت‌ها است. این ساختار معیوب در غیاب برنامه‌های جامع برای اصلاحات، روبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. کسری بودجه نیز از مرحله یک چالش قابل مدیریت عبور می‌کند و به یک بحران ساختاری تبدیل می‌شود که هر سال به صورت انباشتی نسبت به سال‌های قبل تشدید می‌شود. این کسری نه تنها به شکل عاملی برای تشدید رشد نقدینگی است، بلکه سیاست‌های مستقیم را در چرخه‌های تصمیمات اضطرابی، ناپایدار و غیرکارآمد قرار می‌دهد. «این اقتصاددان در ادامه بیان کرد: اخیراً در فضای مجلس شکل عملی برای تشدید رشد پایدار می‌مکن نیست. سرمایه خارجی نیز از اقتصاد ایران حذف شده و در نتیجه ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه شرایط پیچیده‌تری دارد. در فضای داخلی نیز بخش خصوصی با انبوهی از ریسک‌ها و عدم شفافیت‌ها رو به روست. در چنین شرایطی انتظار رشد ۸ درصدی مشابه ساخت یک سازه عظیم روی شالوده‌های فرسوده و ترک خورده است.

جسارت تصمیمات کلان و تأثیرگذار در اقتصاد رانداشته باشد، عملاً وزارتخانه درگیر رکود در تصمیم‌گیری می‌شود و نمی‌تواند نقش مهم و متناسبی با اهمیت و جایگاه خود ایفا کند. خلأ تجربه از دیدن هم‌اندازه‌هایی است که باعث شده با وجود تسلط بر مباحث نظری، در طراحی و ارائه برنامه‌های عملیاتی ناتوان باشیم و طی ماه‌های اخیر هیچ بسته سیاست مشخصی، چه در حوزه اصلاحات ساختاری و چه در زمینه مدیریت بحران‌های جاری، نداشته باشیم. وی افزود: حقیقت رانمی‌توانیم انکار کنیم؛ اقتصاد کشور در یکی از سخت‌ترین دوره‌های خود، طی چند دهه اخیر قرار دارد. تورمی که مدت‌هاست از حضور فردی بود که تجربه بیشتری در بخش عملی اقتصاد کشور داشت. این که ایشان در مباحث تئوریک چه جایگاهی دارند قابل احترام است، اما اکنون به تجربه‌ای بیش از تجربه تئوریک نیاز داریم. اگر وزیر اقتصاد

یک کارشناس مسائل اقتصادی اظهار داشت: در حال حاضر، اقتصاد ایران، در مرحله‌ای است که نه می‌توان آن را با روش‌های عادی مدیریت کرد و نه می‌توان صرفاً با مباحث تئوریک انتظار تغییرات جدی داشت. اقتصاد کشور چنان درگیر مجموعه‌ای از زانهمجاری‌های مزمن و انباشته شده است که مدیریت آن نیازمند ترکیبی از تجربه، توان سیاست‌گذاری کلان، قدرت هماهنگی نهادی و درک عملکرد واقعی اقتصاد در شرایط فشار خارجی و داخلی است. علی قنبری گفت: در چنین وضعیتی آقای مدنی زاده عملکرد قابل قبولی را ثبت نکرده است. از دید من وزارت اقتصاد نیازمند حضور فردی بود که تجربه بیشتری در بخش عملی اقتصاد کشور داشت. این که ایشان در مباحث تئوریک چه جایگاهی دارند قابل احترام است، اما اکنون به تجربه‌ای بیش از تجربه تئوریک نیاز داریم. اگر وزیر اقتصاد

**یادداشت****نسل آلفا، سزاوار اندیشه نو**

**محمد علی نویدی**

**استاد دانشگاه**

نسل آلفا، نسلی است که به‌طور کامل در قرن بیست و یکم تولد یافته و در حال بزرگ شدن و بالیدن و ورود به عرصه عمومی و واقعیت اجتماعی است. بدین دلیل، نسل آلفا، نسل معطوف به آینده و نوشونفگی و تازگی خواه است، نه نسل معطوف به گذشته و نوستالژی و دلتنگ گذشته‌ها و گذشتگان. بنابراین، شناخت نسل آلفا به اندیشه نو و اهتمام جدید محتاج می‌باشد. دیگر، فاصله زمانی بین نسل‌ها با حوادث تاریخی سنجیده نمی‌شود بلکه این سرعت تغییرات و تحولات دنیای دیجیتال است که فاصله نسل‌ها را تعیین می‌کند. چرا نسل آلفا نیازمند اندیشه و نگرش نو و اهتمام جدید و ویژه است؟ چون نسل آلفا حقوق و امتیازات و اختیارات نوظهوری دارد که نسل‌های گذشته، حتی نسل Z نداشته است. نسل آلفا زادگان و بومیان واقعی جهان دیجیتال و هوش مصنوعی هستند؛ همین ویژگی و خصلت موجب می‌شود با نگاه منسوخ و مندرس قدیمی و گذشته‌نوان نگرش، منش، کنش و انواع ارتباطات و تعاملات نسل آلفا را تحلیل کرد و فهمید و با آنان تعامل برقرار نمود. لذا، لازم است بایسته‌ها و شایسته‌های نسل آلفا و گروه جمعیتی کودک و نوجوان زمانه کنونی از آن‌ها بازاندیشی و بازتعریف نمود. نسل آلفا دارای حقوق و مزایای ویژه است که بسیار فراتر از حقوق مرسوم نسل‌های قبلی است. نسل آلفا، روی به آینده و آغاز تغییر است نه روی به حفظ گذشته و حق ماتقدم. نسل آلفا را تحلیل DNA و عملکرد آن‌ها، نمی‌توان فهمید. بلکه، نیاز به اندیشه نو برای درک هویت و شخصیت نسل آلفا داریم. هر کودکی از بدو تولد وارد حلقه امتیازات خاص می‌باشد، از جمله، حقوق انسانی، زندگی، طبیعی و نظایر آن. اما، نسل آلفا علاوه بر آن حقوق مشترک تمام نسل‌ها، دارای حقوق شهروندی مدرن، حقوق زیست در جهان دیجیتال، حقوق مرتبط با هوش مصنوعی، و فرصت‌های نوین این زمانه است. اساساً، نسل آلفا، نسل خیلی متفاوت و متغیر و سیال است و با قواعد ثابت قابل فهم نیست. نسل آلفای ایران با نسل آلفای جهان و خصوصاً کشورهای توسعه یافته، هم وجوه مشترک و هم وجوه اختلاف دارد. به نظر من، این وجوه و خواص مشترک در تمام جهان بین احاد و افراد نسل آلفا حدود پنجده درصد است و پنجده درصد اختلاف و تفاوت به فرهنگ و خانواده و شرایط اقلیمی و آموزش مرسوم و ژنتیک و نظایر آنها برمی‌گردد. بدین سان، با معیار و ملاک واحد و ثابت نمی‌توان تمامی جمعیت نسل آلفا را درستی و راستی شناخت. پس نیازمند اندیشه نو و متفاوت هستیم تا حقیقت مشترک نسل آلفا را بشناسیم و برای رشد و بالندگی آنان برنامه ریزی کنیم. توجه کنیم که نسل آلفا، اگرچه در سن کودکی و نوجوانی هستند، اما، در تمام ابعاد زندگی کنونی خانوارها، از اقتصاد و فرهنگ و تفریح و ورزش و بازار و خرید و فروش و غیره، تأثیر شگرف دارند. باری، نسل آلفا و کودکان و نوجوانان این زمانه، تنها المانهای والدین خود نیستند؛ بلکه، آغازگر عصر نوینی هستند که از شروع آن زمان زیادی نگذشته است. این نسل آلفا را باید شناخت و حق و حقوق و عایق و وسایق و امیال واهداف آینده آن را درک کرد و به درستی برنامه ریزی نمود و آنان را حمایت کرد تا به شایستگی رشد و بالنده شوند و آینده اثربخش، برای خود و میهن رقم بزنند. ذهن‌ها را باید هشت، جور دیگر باید دید تا تأثیر نشود.

**خبر**

دعوت از اصحاب رسانه و فعالان مدنی

**مشارکت در بخش جانبی سومین جشنواره ملی «قلم‌وکیل»**

دبیرخانه ی جشنواره ملی «قلم‌وکیل» مستقر در کانون وکلای دادگستری بوشهر با هدف گسترش دامنه‌نگذاری جشنواره و ایجاد پیوند بیشتر میان نهاد وکالت با جامعه رسانه‌ای و مدنی، در سومین دوره ی این جشنواره به تعریف بخش جانبی با عنوان «جایگاه اجتماعی نهاد وکالت از نگاه اهالی رسانه و فعالان مدنی» اقدام و از فعالان این حوزه دعوت کرده تا آثار خویش را برای دبیرخانه ارسال کنند. در دوره پیشین، تمرکز اصلی جشنواره بر آثار تولیدشده وکلای دادگستری بود؛ اما با توجه به بازخوردهای اجتماعی و ضرورت دیده‌شدن نقش وکیل در افکار عمومی، دبیرخانه جشنواره طی فراخوانی، فضای مشارکت را گسترده‌تر کرده و از خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، فعالان حوزه ی رسانه و فعالان مدنی دعوت کرده‌تا نگاه، تجربه و تحلیل خود درباره جایگاه اجتماعی نهاد وکالت را (کارکرد وکیل، استقلال کانون وکلا و نقش آن در عدالت و حقوق شهروندی و...) را در قالب یک اثر مکتوب ارسال کنند. این بخش، همچون سایر جشنواره‌های معتبر، یک بخش جنبی است و ماهیت آن با هسته اصلی جشنواره که به قلم وکلا اختصاص دارد تعارضی نداشته، بلکه مکمل آن است. هدف اصلی از تعریف این بخش، آن است که با شناختی خارج از جامعه ی وکالت نقش اجتماعی نهاد وکالت روایت کنند. به منظور ارزیابی میزان استقبال و برای ایجاد انگیزه در میان اصحاب رسانه و فعالان حوزه عمومی، دبیرخانه اعلام می‌کند که آثار این بخش به‌طور جداگانه داوری شده و یک اثر برگزیده مورد تدبیر ویژه و اعطای تندیس قلم‌وکیل قرار خواهد گرفت. دبیرخانه ی جشنواره هدف از ایجاد بخش جانبی را درگیر کردن جامعه رسانه‌ای و فعالان مدنی با روایت درست از نهاد وکالت و بازتاب گسترده‌تر پیام جشنواره می‌داند.